

سرمقاله

همه راهها به قانون ختم می شود

حفیظ الله زکی

افغانستان یک کشور جنگ زده است. نزدیک به چهاردهه است که آتش جنگ در افغانستان شعله می کشد و جان، مال، خانه های مردم و زیربنای کشور را نیست و نابود کرده و به خاکستر مبدل می کند. با آن که در سال ۲۰۰۱ میلادی نظام جدید بر مبنای ارزش های دموکراتیک در افغانستان شکل گرفت؛ اما این کشور هنوز هم در ناامنی و جنگ به سر می برد. هنوز شکاف های قومی، نژادی و مذهبی در این کشور فعال هستند و با اندک جریقه ای اختلاف ها رنگ و بوی قومی و نژادی به خود گرفته و وحدت و همبستگی مردم افغانستان را به مخاطره می اندازند. به دلیل این که هنوز بافتارها و ساختارهای مستحکم ملی در این کشور به وجود نیامده، ارزش های ملی نیز یا شکل نگرفته و یا نا شناخته باقی مانده است. از مسایل قومی و نژادی چه بسا از سوی سیاست بازان حرفه ای به عنوان ابزار دستری به قدرت و امتیازات مادی در این کشور بهره برداری می شود.

مردم افغانستان بر خلاف نخبگان سیاسی در مناسبات اجتماعی شان مشکل ندارند. همه همدیگر را به عنوان شهروند برابر در افغانستان پذیرفته اند و با همدیگر احترام می گذارند و حقوق انسانی همدیگر را رعایت می کنند. ولی وقتی که حساسیت ها و تنش های قومی از سوی حکومت و برخی سیاستمداران دامن زده شود، ناگهان تضادهای قومی و نژادی مانند باروت لایه های مختلف جامعه را در معرض تهدید و ویرانی قرار می دهد و رویکردهای عقلانی و مدنی را مغلوب می سازد.

به همین دلیل ما همواره نیاز داریم تا روی اولویت های ملی تکیه نماییم و از تبعیض و بی عدالتی بخصوص زمانی که مبنای قومی و گروهی داشته باشد بپرهیزیم. ما نیاز داریم تا از سنت های قبیله ای و قومی عبور کنیم و یک فرهنگ روز آمد و سازگار با باورهای بنیادین اجتماعی را در سطح ملی به وجود آوریم. با توجه با نا امنی های که وجود دارد و با توجه به تنش هایی که میان افغانستان و برخی کشورهای همسایه به وجود آمده و به عنایت به آسیب پذیری های داخلی در عرصه های سیاسی و اقتصادی کشور، می توان گفت که افغانستان در وضعیت بسیار شکننده قرار دارد و این وضعیت ایجاب می کند که ما بیشتر از هر زمان دیگر به وحدت و همبستگی مردم افغانستان اهمیت دهیم و از بروز اختلافات قومی و گروهی جلوگیری نماییم.

البته این به این معنا نخواهد بود که هرگونه قانون شکنی و احیاناً زورگویی از سوی اشخاص و گروه های قومی نادیده گرفته شود. ما به همان اندازه که به وحدت ملی ضرورت داریم به همان اندازه به قانون گرای و حاکمیت قانون نیز اهمیت می دهیم؛ زیرا وحدت و همدلی مردم و عدالت و برابری میان اقوام جز در سایه قانون و احترام به مفاد آن ممکن نخواهد شد.

دربروز حضور دهه تن از سربازان امنیتی در اطراف خانه جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری کشور، موجی از نگرانی را در میان مردم به وجود آورد. در شرایطی که افغانستان از نا امنی و اختلاف ها و تضادهای داخلی رنج می برد، تشدید اختلافات داخلی به نفع منافع ملی کشور نخواهد بود. حکومت و نیروهای امنیتی باید تلاش کند تا از طریق مذاکره و احیاناً فشارهای سیاسی، مسیر رسیدگی حقوقی به قضایای اشخاص را فراهم سازد. اگرچه تا هنوز دلیل اصلی حضور نیروهای امنیتی در اطراف خانه معاون اول ریاست جمهوری روشن نشده است؛ اما چنانچه این نیروها به منظور محاصره خانه جنرال دوستم به این منطقه اعزام شده باشد، ممکن است پیامدهای منفی آن به مراتب مخرب تر از دستاوردهای آن باشد. در کشورهای در حال جنگ در عین حالی که روی تطبیق قوانین تأکید صورت می گیرد، اما به دلیل ملاحظات و دشواری های موجود، هیچگاه قانون در همه حال و روی تمامی افراد باالسو به تطبیق نمی گردد. در این کشورها حکومت ها به تدریج و به صورت نظام مند به سوسی قانون گرای حرکت می کنند. حکومت افغانستان هم باید تلاش کند میان برخورد قانونی و حفظ همبستگی اجتماعی جمع کند و از کنش های یکجانبه پرهیز نماید.

نظریه «انحطاط» در نگاه جواد طباطبایی و علی امیری

عبدالکریم شعبانی



اما در ادامه بلافاصله تصریح میکند که این دفتر تنها در آمدی است بر بحث انحطاط؛ زیرا وی معتقد است که ما در شرایط کنونی، مقدمات و مبانی نظری انجام این پژوهش را در اختیار نداریم و لذا این کار، آسان نیست و در توان یک تن نخواهد بود. از سخنان طباطبایی چنین به دست می آید که ما تا کنون، به انحطاط نیندیشیده ایم و لاجرم مفهومی بنام انحطاط نیز در فرهنگ ما وجود نداشته است. اما چنانچه طباطبایی به درستی اشاره کرده است، فقدان مفهوم انحطاط در یک فرهنگ به معنای نبود انحطاط نیست، بلکه عین آن است. آنچه در بحث های طباطبایی قابل توجه است این است که وی در عین حالی که در تاریخ اندیشه در جهان اسلام سیر می کند، نگاهی نیز به تجربه های غربی دارد و به سنت فلسفی یونان باستان می پردازد. چرا که فلاسفه های مسلمان استفاده های فراوانی از آن سنت غنی و فرهنگ با شکوه کردند. همچنان به تجربه های تجدید غربی نیز عنایت و توجه خاص دارد. چنانچه در کنار پژوهش های تاریخ طباطبایی، به تحقیق در تاریخ اندیشه های سیاسی جدید در اروپا نیز پرداخته است. تا کنون دو دفتر از آن پژوهش ها، تحت عنوان جدال قدیم و جدید در الهیات و سیاسیات و نظام های نوآیند در اندیشه سیاسی به نشر رسیده است که تاریخ اندیشه سیاسی جدید را شامل اروپا از نوزایش تا انقلاب فرانسه را شامل می شود. باید اذعان داشت که پژوهش های طباطبایی زرف و گسترده است. در حوزه زبان فارسی اگر کتابهای چندی درخور

خواندن وجود داشته باشد یکی از آن جمله، آثار جواد طباطبایی است. اما در شرایط کنونی، چنانچه خود وی به تکرار آورده است، نمی توان در زمینه، کار سترگ و قابل ملاحظه ای انجام داد. چرا که به گفته ایشان چهار سده است که از تعطیل اندیشه در این فرهنگ می گذرد. یعنی از زمان یورش مغولان، که بنیادهای اندیشه های عقلانی در این سرزمین بر باد فنا رفت، تا کنون هرگز از این بحران زرف و دیرپا پریش نشده است. لذا رخنه کردن در این سد سکندر نیندیشایی کار آسانی نیست. طباطبایی معتقد است که در مغرب زمین چنین نبوده است. یعنی آن ها همواره و در تمام دوره های تاریخی، از آغاز فرهنگ یونانی تا کنون، به صورت های مختلف به انحطاط اندیشیده اند گویا فقط ما هستیم که از خار انحطاطی که بر پیگرد فرهنگ ما خلیده است، آهی از دل بیرون نکرده ایم.

نمونه دوم، علی امیری مورد دوم، از جهاتی که ذکرش خواهد آمد مهم تر از مورد اول است. علی امیری، یکی از متفکران پیشرو در افغانستان است. امیری در دهه نود خورشیدی و با انتشار کتاب «خواب خرد، تأملاتی در باب زمان حال»، باب پریش از وضعیت کنونی افغانستان را گشود. وی در خواب خرد، با استفاده از تعبیری از هانا آرنت، وضعیت کنونی را، موقعیتی میان گذشته و آینده می نامد. میان گذشته و آینده به این معنا، که آگاهی سنتی تا روزگار ما دوام نداشته است و ما حامل سنت نبوده ایم. ما ریشه

پیش بینی شده است. مطمئن استم که این فرایند به گونه درست در جمهوری قزاقستان عملی و یک گام دیگر به سوی توسعه دموکراسی خواهد بود. در بخش این پیام نورسلطان نظربایف میگوید «در جهان مدل جامع دولت داری وجود ندارد، همه در جستجو آن استند»، من با رئیس جمهور قزاقستان کاملاً موافق استم. هر کشور باید در جستجوی مدل جامع دولت داری مخصوص به خود باشد. تا راه حل منطقی و بهتر را برای عرضه خدمات به شهروندان و مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور دریابیم. در بیانیه تاریخی رئیس جمهور قزاقستان بیان شده که نزدیک به ۴۰ ساله رئیس جمهور به دو رکن دیگر دولت واگذار میگردد. آقای نظربایف هدف از این اقدام اش را تحکیم دموکراسی و بلند بردن موثریت سیستم اداره دانسته میگوید: جهان در پیش سازمان ما در حال تغییر است، سرعت و پیچیدگی

صبور و جوینده را سر نخ می دهد تا باشد که به این اجملات اکتفا نکرده و خود به این وادی خطر کند. لذا آنان که شوق ره سپردن در این مسیر را دارند می توانند به کتاب خواب خرد مراجعه کنند. باری، امیری کتاب خرد را از اکنون، می خواهد آن را به یک مشکل یا به تعبیر دیگر، به مسأله تبدیل کند. و با مسأله دار کردن وضعیت کنونی، ما لاجرم با این پرسش مواجه می شویم که این «خواب رفتگی» در کجا ریشه دارد؟ بدین ترتیب است که وارد مرحله ای دوم، یعنی «خرد آوره» آوره می شویم. خرد آوره دومین کتاب علی امیری است که در فاصله ای کوتاهی بعد از انتشار خواب خرد، به خوانندگان عرضه شد. خرد آوره دنباله ای همان مطالب و مباحثی است که در خواب خرد بی گرفته شده بود. نویسنده در خرد آوره می گوشت تا نشان دهد که این دشواری ها و بحران ها ریشه در گذشته دارند اما هشدار می دهد که ریشه داشتن حال در گذشته پیچیده تر از آن است که بتواند بر توی بر این پرسش بیفکند. انحطاط کنونی، نتیجه ای غیبت تفکر است، حاصل سالها نیندیشیدن. اما همان طور که به نقل از جواد طباطبایی نیز آوردم، اندیشیدن و پرسیدن از این انحطاط در شرایط کنونی، کار آسانی نیست. چرا که ما در عصر تعطیل اندیشه به سر می بریم و سالها نیندیشیدن نرسیدیم، ما از غرق در غایت طلبی کرده در وجدان ما، آگاهی از سنت در دوران کنونی است. که در مورد ما سخت با تردید مواجه است. بدین سان معلوم می شود که ما سنتی نیستیم. اما از آن طرف در مواجهه با پدیده های تجدید نیز دچار مشکل هستیم. به گفته ای امیری، آنچه را که ما تجدید غربی می خوانیم حاصل جدال متأخران با قدما بود که در بسط تاریخی خوش به گسست کامل از اندیشه ای قدما می انجامید. خلاصه اینکه، تجدید در غرب، تجدید سنت غرب است. بر خلاف تصور اغلب روشنفکران ما، مدرنیته ریشه ای الهیاتی دارد و تنها با درک تحولات الهیات مسیحی در غرب است که می توان در باب ظهور مدرنیسم در غرب سخن گفت و آن را بررسی کرد. بدین ترتیب نتیجه جز این نخواهد بود که ما میان سنت و تجدید، سرگردانیم. نه توان و خدغه های فهم سنت را داریم و نه توان تحقق بخشیدن به آینده (غرب امروز) را. اما مهمتر از همه، آن بخش قضیه است که امیری می گوید، اینکه ما نه گذشته ای داریم و نه آینده ای، به این معناست که ما اکنون نیز نداریم؛ زیرا اکنونیت، مستلزم بودن در ادامه و امتداد گذشته و رفتن در مسیر آینده است. پس ما که نه گذشته ای داریم و نه آینده ای و در زمان حال نیز زندگی نمی کنیم، کیستیم؟ و چیستیم؟ اینجاست که آن پرسش اصلی و اساسی به میان می آید. پرسش از زمان حال. در اینجا قصد من فقط آن بوده است که یادآوری اجالی ایسن مطالب، خواننده ی

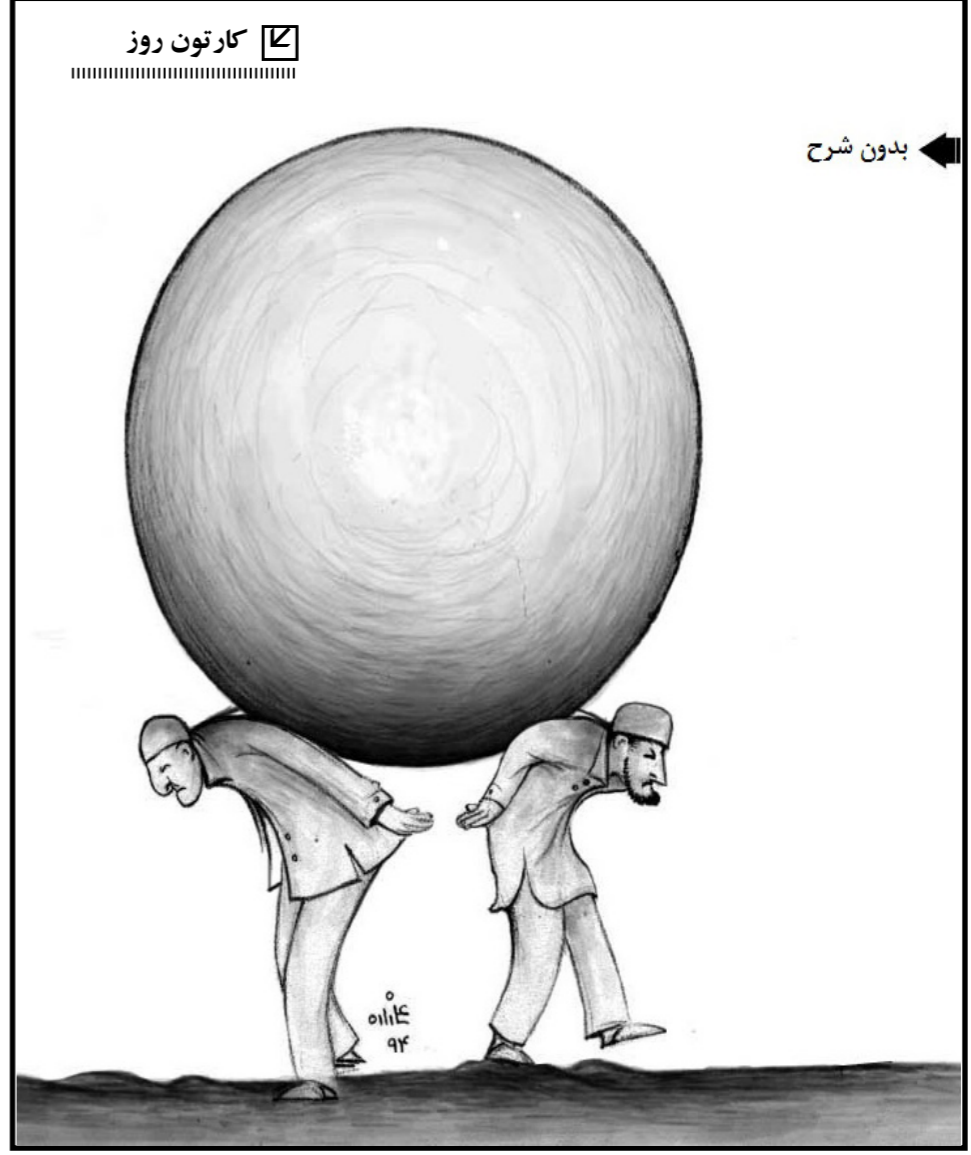
بررسی دلایل انتقال صلاحیت های رئیس جمهوری قزاقستان به پارلمان

بسم الله تاین / ماستر حقوق اساسی و اداری دانشگاه ملی قزاقستان



به عنوان شخصیکه در جمهوری قزاقستان تحصیل کرده و تحولات در این کشور قدرتمند آسیایی را همیشه پیگیری مینمایم. قزاقستان امسال شاهد رویداد های مختلف بود. منجمله برگزاری مسابقات بین المللی زمستانی ورزشهای دانستگاهی در شهر آلماتی، آمادگی ها برای برگزاری بزرگترین نمایشگاه

به عنوان شخصیکه در جمهوری قزاقستان تحصیل کرده و تحولات در این کشور قدرتمند آسیایی را همیشه پیگیری مینمایم. قزاقستان امسال شاهد رویداد های مختلف بود. منجمله برگزاری مسابقات بین المللی زمستانی ورزشهای دانستگاهی در شهر آلماتی، آمادگی ها برای برگزاری بزرگترین نمایشگاه



روزنامه افغانستان با  
The Daily Afghanistan Ma

مدیرمسئول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com